

مسئله‌ای به نام بودن یا نبودن!



نمی‌دانم این چه سری است که در جامعه ایرانی، در بازنمایی رسانه‌ای کار زن در محیط‌های خدماتی و امدادسان همچون پلیس، آتش‌نشانی و عرصه درمانی، به گونه‌ای رفتار می‌شود که حتی بانوان شاغل در این عرصه‌ها را هم اقناع می‌کند که جنس ضعیف‌اند و حضور آن‌ها در این عرصه‌ها هم از سر «ضرورت» و «اجبار» و نه از روی «احقاق حق» و «انسانیت» بوده است. اما در مقابل، در بازنمایی این شخصیت در موارد مشابه غربی و شرقی، نه تنها این احساس به وجود نمی‌آید، بلکه حتی در فیلم‌ها و سریال‌هایی با این مضامین که زن در آن وجود دارد و نقش اول را نیز در آن ندارد، نقش آفرینی زن به گونه‌ای بارز است که مخاطب احساس نمی‌کند انتخاب یک زن تفاوتی ساختاری در محتوا به وجود آورده است.

بگذارید این موضوع را با ارائه مثالی به شکلی روشن‌تر بیان کنیم. اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی، سریالی استرالیایی با نام «All Saints» و با نام «پرستاران» از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش شد. موضوع این مجموعه تلویزیونی موفق که نه تنها در ایران که در کشورهای مختلف به نمایش درآمد، فعالیت تعدادی از کارکنان کادر درمانی اعم از پزشک، پرستار و تکنسین‌های مختلف در یک مجموعه درمانی بود که در کنار آن، ماجراهای مختلفی نیز برای این افراد رخ می‌داد. متن سریال به گونه‌ای تنظیم شده بود که در آن، فعالیت کادر درمانی به خوبی نشان داده شد. داستان‌ها و ماجراهای مختلفی نیز در آن اتفاق می‌افتاد، اما موضوع اصلی ارائه خدمات درمانی به بهترین وجه ممکن توسط کادر درمانی به فراموشی سپرده نمی‌شد. با وجود آنکه مسئولیت مرکز درمانی بر عهده یک مرد گذاشته شده بود، اما حضور پررنگ یک زن باتجربه در کنار کادر درمانی این موضوع را القای کرد که اصلاً کار بدون حضور زن به درستی پیش نمی‌رود. در مقابل، اواسط دهه ۹۰ سریالی با همین عنوان و تولید داخل از سیمای جمهوری اسلامی پخش شد که اتفاقاً نقش آفرینی اصلی آن نیز بر عهده یک زن بود اما محتوای سریال به گونه‌ای بود که اصل خدمت‌رسانی به بیماران به فراموشی سپرده شد و باز یکران به حدی درگیر فضاهای حاشیه‌ای می‌شدند که موضوع ارائه خدمات درمانی، کلا در حاشیه قرار گرفت. نمونه این کار را می‌توان در مجموعه‌های مختلف پلیسی، درمانی و ... جست‌وجو کرد. برآیند سریال‌های ترجمه و دوبله شده خارجی تولید کشورهای مختلف این بود که کادر خدماتی در قالب یک تیم متشکل از زنان و مردان در فضای کاری به فعالیت خود مشغول هستند و حتی اگر خطا و قصوری نیز از اعضای این کادر سر می‌زند، این خطا به صورت «مردانه-زنانه» تفکیک نمی‌شود. اما در تولیدات داخلی، در وهله اول این فضا این گونه دیده نمی‌شود. از سوی دیگر، قصه‌های جانبی در آن به اندازه‌ای پررنگ بوده که باز غالباً اصل خدمت‌رسانی در آن به فراموشی سپرده شده است. در اینکه در جامعه ایرانی-اسلامی باید شأن و منزلت زنان حفظ شود و در نمایش خدمات جامعه زنان نیز ملاحظات شرعی و دینی مراعات شود، با عوامل و دست‌اندرکاران تولید برنامه‌ها هم‌نظر هستیم اما این موضوع را نیز نباید نادیده بگیریم که افراط در نگاه‌های خاص، همواره از زن موجودی می‌سازد که اصلاً توانایی کار در کنار مردان را ندارد و اگر قرار باشد نقش اول را عهده‌دار باشد نیز موضوع به گونه‌ای پیش رفته که یا توانایی انجام کار به درستی را نداشته یا اینکه ماجراهای جانبی، خدمات او را نادیده انگاشته است.

البته نباید این موضوع را نادیده گرفت که در صنعت مهمی همچون سینما، زن در موارد متعددی نیز به عنوان یک ابزار استفاده شده است. اما در این گونه موارد نیز غالباً تکلیف سازنده و مخاطب مشخص است و این موضوع، بیشتر در «فرم» بروز می‌کند تا در «محتوا» و این بهره‌برداری فرمی که غالباً زننده نیز هست و عموماً مورد پذیرش نیست، حتی در رده‌بندی فیلم‌ها از سوی منتقدان و عامه مردم نیز تأثیر منفی خود را نشان می‌دهد. باور کنیم که اگر نقش زن به درستی در اجتماع تعریف شود و این گونه احجاف به‌ویژه رسانه‌ای در مورد آن صورت نگیرد، دیگر نیازی به تشکیل نهادی با عنوان «کمیسون امور بانوان» نیز باقی نمی‌ماند. شاید تشکیل چنین نهادی در دستگاه‌های مختلف، اعتراف به این موضوع است که نقش زن نادیده گرفته شده است.

البته شاید برخی نویسندگان به تفکرات افراطی متهم کنند اما واقع امر این نیست. باور کنیم و باور کنید که زنان حداقل از نظر تعداد افراد، بیش از نیمی از جامعه ما را تشکیل می‌دهند و در نظر گرفتن شایسته و بایسته آن‌ها و بی‌توجهی به ظرفیت‌های بالقوه آن‌ها نه تنها ظلم به جامعه زنان بلکه محروم ساختن جامعه از این استعداد و توانمندی است.



شهربانو

آشنایی
۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱
۷ شوال ۱۴۴۳ شماره ۲۶۵۱

(۷)

دانشگاهی به نام جبهه

زینت زنده‌باد، بانویی که ۸ سال در جبهه امدادگری بود

از آن زنان امدادگری است که به محض شروع جنگ خانه و کاشانه را می‌گذارد و راهی میدانی می‌شود که بتواند در آن باری از روی دوش دیگران بردارد. این حضور و امدادسانی آن قدر برای بی‌بی زینت زنده‌باد مهم است که همان روز اول ازدواج با همسرش شرط می‌کند که در جبهه برای کمک به رزمندگان حضور یابد. «با همسر در همان ابتدای ازدواج شرط کرده بودم که هر موقع خواستم باید بتوانم به جبهه بروم. با اجازه او وارد جبهه شدم و تا پایان جنگ در جبهه حضور داشتم و این بهترین آزادی برای من بود که می‌توانستم با اجازه همسر و برای دفاع از کشورم، در جبهه حضور داشته باشم.»

او راهی جبهه می‌شود و تجربیات تازه‌ای از زندگی در آنجا به دست می‌آورد. «در نخستین شب حضورم در جبهه از شدت گرما و بوی بدی که در آن منطقه بود حالت خیلی بدی به من دست داد اما با وجود این شرایط بد، باز هم دوست داشتم در جبهه بمانم و به برادران و خواهرانم کمک کنم و باری از روی دوش آن‌ها بردارم.»

امدادگر هشت سال دفاع مقدس کمک به سربازان جبهه اسلام را یک افتخار برای خود می‌داند. «هرچند یک دختر نازپرورده بودم اما در کوران جبهه، سردوگرم چشیده و در آن شرایط سخت پخته شدم.»

این بانوی امدادگر چه در دوران جنگ چه پس از آن یکی از برنامه‌های جدی که پیش می‌گیرد تسهیل ازدواج جوانان است. «مراسلات‌های زیادی بر دوش داریم و برای حفظ انقلاب باید هرکدام به سهم خود گامی برداریم. به نظرم ازدواج آسان می‌تواند مشکل بسیاری از جوانان را حل کند. برای حل مشکل جوانان آستین بالا زدم و قدمی در این زمینه برداشتم. این روند پس از جنگ نیز ادامه یافته است و امروز من به عنوان واسط ازدواج و تسهیل‌کننده اجرای این سنت حسنه اسلامی شناخته می‌شوم. علاوه بر آشنا کردن جوانان برای ازدواج، با توجه به آشنایانی که در صنوف مختلف دارم تلاش می‌کنم هزینه ازدواج آنان را به حداقل برسانم.»

او خود نیز ازدواجی ساده داشته و فرزندان را هم به همین روال روانه خانه بخت کرده است. «خودم ازدواجی ساده داشتم. فرزندانم هم مراسم مختصری برای ازدواج داشتند. این امور را باید اول از خود شروع، سپس جوانان را به ازدواج آسان و قناعت سفارش کرد. ازدواج ساده و بی‌تکلف باعث استواری اساس زندگی بر پایه قناعت می‌شود و می‌تواند جامعه را از اسراف و تجمل‌گرایی غربی نجات دهد.»

